

اسلام مبارزه ميکند

آنانيکه فهميده اند که نظريه يی از نظرياتیکه بشریت آنرا در طول تاريخ کهنش شناخته است ، مي تواند در مقابل ظلم و بربريت و ستمگري با انواع مختلفش همچو اسلام مبارزه کند ، ويا توان آنرا دارد که در پهلوي مظلومين و بيچاره گان همچو اسلام استاده شود ، ويا مي تواند به روي باغيان و ظالمان همچو اسلام آواز بلند کند... کسانیکه چنين فهميده اند آنها به خطا رفته اند ، ويا کساني معرض استندد، ويا هم از اسلام به طور کلي آگاهی ندارند .

آنانيکه خویش را مسلمان واقعي مي پندارند ، سپس در برابر ظلم و ستم مبارزه نمیکند، واز مظلومين دفاع نمیکند ، و به روي باغي و ظالم آواز خویش را بلند نمیکند ... آنانيکه اين طور برداشت کرده اند به خطا رفته اند ، ويا هم منافق استندد ، ويا

اما اسلام !

اسلام در صميم و تهديش حرکتی است تحرري ، که از ضمير فرد سرچشمه گرفته و در محيط و گرداگرد جامعه خاتمه مي يابد . وقتي اسلام قلب انسان را زندگي بخشد و آنرا پرورش دهد ، سپس آنرا نمیگذارد تا به سلطاني در روي زمين تسليم شود ، بجز از سلطان يکتا و قهار که مالک همه هستي است . وقتي اسلام قلب انسان را پرورش دهد و آنرا زندگي بخشد ، سپس آنرا نمیگذارد تا در برابر ظلم و ستم با تمامی اشکال که دامن گیر جامعه ميشود خاموشي و سکوت اختيار کند ، خواه اين ظلم بلاي خودش صورت گیرد ويا هم با لاي هر گروه انساني ديگر بر روي زمين و در قلمرو هر پادشاه که باشد و

اگر ديديد که ظلم و ستم صورت ميگيرد ، اگر شنيديد که مظلومين فغان دارند ، سپس مشاهده کرديد که امت اسلامي در برابر اين ظلم و ناروا که دامن گیر جامعه شده کاري انجام نميدهد ويا هم در پهلوي آن مظلومين استاده نميشود ، واز آنها دفاع نمیکند . پس بر شماست تا در مورد وجود امت اسلامي به ديده شك بنگريد ، زيرا ممکن نيست که شريعت محبوس باشد ، و ظلم همچو قانون پياده باشد ، و قلب ها اسلام را چون عقیده پذيرفته باشد .

اسلام حقيقي را بپذيريد نه اينکه به نام مسلمان باشيد... اسلام حقيقي عبارت است از مبارزه که خاموش نمیگردد ، و جهاديست که قطع نمیگردد ، مبارزه يست در راه تحقق عدالت و مساوات در جامعه . اما اسلام به نام عبارت است از خواندن و گردان دعا ها ، و انداختن تسبیح ، و نوشتن تعویذها ، و توکل برين که آسمان صلاح و آزادي و عدالت و خيرات را بر زمين ببارد . هر گز آسمان از اين قبيل چيزها را بر زمين نمیبارد ، خداوند هر گز قومي را نصرت و کمک نمیکند تا آنها خود خویش را کمک نکنند ، و بالاي خویش اعتماد نداشته باشند ، و شريعت خداوند را در جهاد و مبارزه پياده و نافذ نکنند : (ان الله لا يغير ما بقوم حتی يغيروا ما با نفسهم) .

اسلام عقیده انقلابي و تحرري است . به عبارت ديگر عقیده است که هر گاه در قلب انسان بصورت صحيح جاگزين ، در آن انقلاب بر ، انقلاب در داد و گرفت بين افراد و گروه ها ... انقلابيکه به اساس عدالت و مساوات مطلق در بين همه انسان ها برپا شود ، و هيچکس بهتر از کسي نباشد مگر با اساس معيار تقوی و پرهيزگاري ، انقلابي که به اساس کرامت انساني برپا شود ، آن کرامتيکه به هيچ مخلوق ديگری به جز از انسان در روي زمين داده نشده است ، کرامتيکه ارزش های والاي را به انسان عنايت فرموده است . انقلابيکه به اساس عدالت مطلق بر ، عدالتيکه تجاوز هيچکس را تحمل ن ، و همچنان بالای هيچکس تجاوز نمیکند .

همينکه گرمي و جوش اين عقیده را کسي احساس کند بيدريغ پي تحقيق آن در زندگي عملي خویش ميگردد ، صبر و آرامش و خاموشي خود را از دست ميدهد تا اينکه آنرا بدست بياورد... اينست تاويل و تفسير اينکه چرا اسلام يك حرکت انقلابي است .

آنانيکه بالای خداوند جل جلاله به حقانيت ايمان آورده اند ، در راه خداوند جل جلاله به حق جهاد میکنند ، جهاد میکنند تا کلمه خداوند جل جلاله والائر از همه کلمه ها باشد ، و کلمه خداوند جل جلاله تا وقتي تحقق پذير نمیگردد تا وقتيکه ، و همه انسانها همچو دندانهاي شانه يکسان نباشند ، و کسي هم

بالاي کسي بهتر و برتر نباشد مگر فقط به اساس تقوي و پرهيزگاري .

آنانيکه ظلم را در چار اطراف خویش مشاهده میکنند ، و آنانيکه با بغاوت هر جا روبرو میشوند ،

سپس نه دست شان در حرکت اید و نه زبان شان ، در حالیکه قادر به حرکت دادن زبان و دست باشند اینان در حقیقت به قلبهای شان اسلام راه نیافته ، و به عبارت دیگر قلب های شان را اسلام پرورش نداده است و به آنها زندگی نبخشیده است . اگر این قلب ها را اسلام آباد مینمود حتما به مبارزه و جهاد می پرداختن ، اگر در این قلب های عاقل شعله مقدس اسلام میدید حتما آنها شعله و ساخته با گرمی و جوش به طرف معرکه می کشانید .

اگر روحیه و نظریه قومیت می تواند ما را به مبارزه در برابر استعمار باغی بکشاند .
اگر روحیه حریت و آزادی فردی می تواند ما را به مبارزه در برابر ظلم و ستمگری بکشاند .

اگر روحیه اجتماعی می تواند ما را به مبارزه در برابر طبقات فاجر و فاسق و امپریالیزم بکشاند .

اما روحیه ، استعمار، زندگی طبقاتی ، فسق ، فجور و ستمگری را زیر عنوان بغاوت جمع نموده ما را به مبارزه با همه آنها می کشاند ، تا در برابر این همه بدون بدلی خوف و بدون تفرقه و تشنت و جدال مبارزه کنیم ، و همین خصوصیت بزرگ اسلام در میدان مبارزه برای تحقق عدالت و مساوات و آزادی و کرامت انسانی است .
شاید مسلمانی حقیقی وجود نداشته باشد که به قلبش روح ایمان جا گزین گردیده باشد و دست خویش را به استعمار و استعمارگرایان دراز کند ، و با هم با ایشان همکاری کند ، و از مبارزه در برابر ایشان بطوری آشکار یا خفیه دست بردارد ، اگر چنین باشد وی خاین به دین خویش است قبل از اینکه خاین به وطن و قوم و شرف خویش باشد . هر کسیکه احساس عداوت و دشمنی را در مقابل استعمارگران از دست داده باشد ، و در برابر ایشان از مبارزه بقدر قدرت و استطاعتش دست بردارد خاین است .

وای به حال آنانیکه بایشان معاهده های دوستی امضا میکنند ، و به حال آنانیکه بایشان پیمان میبندند ، و به حال آنانیکه بایشان همکاری و کمک میکند ، و به حال آنانیکه برایشان طعام می دهند در حالیکه ملتش از گرسنگی جان می دهد ، و به حال آنانیکه عیب ها شانرا می پوشاند .

شاید مسلمانی واقعی وجود نداشته باشد که به قلبش روح ایمان راه یافته باشد و بگذارد که گروه های فاجر و فاسق امپریالیزم باغی در اطمینان و آرامش به سر برد ، و عیب ها آنها را انگشت نما نکند ، و پست فطرتی آنها را هویدا نسازد ، و بر روی سیاه آنها آواز بلند نکند ، و در برابرشان توسط دست و زبان به اندازه قدرت و استطاعتش مبارزه نکند . هر لحظه که بدون کار مثمر میگذرد و هر ساعتی که بدون مبارزه میگذرد و هر روزی که بدون جهاد میگذرد گناهی است که ضمیر مسلمان حقیقی آنها احساس کرده میتواند ، و عذابیبست که احساسات وی را دگرگون می نماید ، و اشتباهی است که بجز از جهاد و مبارزه پی در پی عذاب و پریشانی آن جبران گردیده نمیتواند .

شاید مسلمانی واقعی وجود نداشته باشد که به قلبش روح ایمان راه یافته باشد و بگذارد که ظلم و ستم دامن گیر جامعه گردد ، و مردم به غلامی کشانیده شوند در حالیکه مادر هایشان آنها را آزاد به دنیا آورده اند . مسلمان واقعی توسط مال و روح خویش دعوت خداوند یکتا و رازق را لبیک میگوید و آنها را می پذیرد : ((والمالک لا تقتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک نصیرا)) .

فقط مسلمان حقیقی باش .. همین کافی است که مسلمان باشی تا اسلامت ترا با دلاوری و شجاعت و بسالت به مبارزه در برابر استعمار و ظلم و ستم وا دارد ، اگر چنین نیست پس باید احساس کنی که آیا قلبت در مورد حقیقت ایمان بازی نخورده است که ترا از مبارزه در مقابل استعمار باز میدارد ؟

فقط مسلمان حقیقی باش .. همین کافی است که مسلمان حقیقی باشی ، تا اسلامت ترا به مبارزه در برابر ظلم و ستم اجتماعی بکشاند ، مبارزه که دوامدار و مستمر باشد . اگر چنین نیست پس باید احساس کنی که آیا قلبت در مورد حقیقت ایمان بازی نخورده است ، که ترا از مبارزه با ظلم و ستم باز میدارد ؟

فقط مسلمان حقیقی باش .. همین کافی است که مسلمان حقیقی باشی ، تا اسلامت ترا به مبارزه در برابر سرکشی و طغیان با همه دلیری و صلابت و پختگی بکشاند که بدلان آنها پسماندگی می پندارند ، اگر چنین نکردی پس احساس کن که قلب ات در حقیقت ایمانش بازی خورده است ، ورنه چرا از مبارزه در برابر طغیان دست برداشته ای ؟

تمامی تیوری ها و همه مذاهب در روی زمین پراکنده گردیده تا هر کدام برای مبارزه خود میدان جداگانه خود را انتخاب کند ، و در آن میدان عدالت و مساوات و آزادی را تحقق بخشد . مگر اسلام در همه این میدان ها مبارزه میکند ، و همه حرکت های آزادی خواه راه در آغوش میگیرد ، و برای همه این میدان ها مبارزین تربیه میکند .

و قتیکه صاحبان تیوری ها و مذاهب قوتی خود را از قوت های زمین که نابود شدنی استند استمداد می جویند ، اسلام از قوت ادلی و ابیدی قوت خویش را بدست میآورد ، مسلمانان وقتی به معرکه رومیآوردند ، که قلب هایشان پر از شوق شهادت در راه حق باشد ، تا حمایت آسمان و فلاح اخروی را بدست آورند :

((ان الله اشترى من المؤمنين أنفسهم واموالهم بأن لهم الجنة , يقاتلون في سبيل الله , فيقتلون ويقتلون وعداً عليه حَقاً في التوراة والانجيل والقرآن . ومن أوفى بعهدده من الله ؟)) .

نوشتنه : سيد قطب

د پانو شميره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ